

قرآن؛ منبع اصلی و راز جذابیت اندیشه مولانا

قرآن اصلی‌ترین منبع اندیشه اسلامی است و یکی از مظاهر این حقیقت را می‌توان در تأثیر کتاب‌الله بر جلال‌الدین محمد بلخی، قله اندیشه عرفانی در جهان اسلام یافت.

قرآن اصلی‌ترین منبع اندیشه اسلامی است و یکی از مظاهر این حقیقت را می‌توان در تأثیر کتاب‌الله بر جلال‌الدین محمد بلخی، قله اندیشه عرفانی در جهان اسلام یافت.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولانا یا مولوی است. نام کاملش را محمد بن حسین بن حسینی خطیبی بکری بلخی عنوان کرده‌اند. کلیات شمس و مثنوی معنوی از آثار برجسته و مشهور به جای مانده از مولاناست است، گذشته از مقام این اندیشمند بزرگ اسلامی در تاریخ اسلام، قرآن یکی از اصلی‌ترین منابع الهام‌بخش اندیشه مولانا عنوان شده است.

مولانا در بلخ به دنیا آمد، اما آنجا نماند. پدرش در سلک صوفیان بود و از مکتب احمد غزالی پیروی می‌کرد. همزمان با حمله چنگیزخان همراه پدر به سوی دیار روم کوچ کردند و در مسیرشان با عطار نیشابوری ملاقاتی داشتند. جلال‌الدین بلخی پس از مرگ پدر به جای وی در مرکز حلقه‌ای عرفانی و دینی نشست. وی در علم دین مقامی بسیار عالی داشت. دیدارش با شمس او را در وادی عرفان عملی وارد ساخت و اشعارش را جاودان کرد. وی را گنجینه معارف جهان اسلام دانسته‌اند، اما مولانا از قرآن بسیار استفاده کرده و کتاب مثنوی معنوی‌اش را قرآن ثانی خوانده‌اند. شاید ریشه این مسئله در نوشته خود مولاناست که به صراحت مثنوی را «کشاف القرآن» خوانده است. مولوی کتاب خود را «الهی ربانی» می‌داند که خداوند در ایجاد آن به نگارنده یاری داده است.

مثنوی یا قرآن منظوم/ قرآن؛ اصلی‌ترین منبع اندیشه مولانا

برخی از کارشناسان کتاب مثنوی معنوی مولانا را قرآن منظوم خوانده‌اند. کتاب‌الله فراتر از هر چیزی در جان مولانا تأثیر گذاشته و بیش از هزار آیه در مثنوی معنوی به مناسبت‌های گوناگون ذکر شده است. جلال‌الدین بلخی با چهار رویکرد به قرآن رجوع می‌کند. اقتباس لفظی و معنوی، تفسیر و تأویل رویکردهای مولانا به قرآن است. این شاعر و عارف نامدار به کرات در اشعارش از قرآن مجید بهره‌مند شده است.

مولانا در برخی از موارد از آیات به عنوان نماد استفاده کرده است. وی کوشش کرده که واژه‌هایی چون ارنی، مازاغ، خمیس الف، لا احب الا فلین و که از قرآن اخذ شده‌اند، در معنایی فراتر از معنای ظاهری‌شان به کار گیرد. مولانا حضرت سلیمان(ع) را نماد نبوت، حضرت یوسف(ع) را نماد جلوه‌های الهی، حضرت خضر(ع) را نماد پیر کامل و حضرت عیسی(ع) را نماد روح معرفی می‌کند.

شکل ارائه مطالب در مثنوی معنوی مانند قرآن خوشه‌ای معرفی شده است. در روش خوشه‌ای مطالب اصلی در کل اثر مانند دانه‌های یک خوشه پخش شده‌اند. مثنوی مانند قرآن در هر داستان و حکایتش به مطالب گوناگون و داستان‌های مختلف می‌پردازد.

قرآن اصلی‌ترین منبع الهام اندیشه مولانا خوانده شده است. مولانا تربیتی قرآنی داشته و آنچه در خصوص انسان و خدا می‌اندیشیده و بیان می‌کرده، خواستگاه قرآنی داشته است. «مولانا در اشعار خود با مخاطب ارتباطی وجدانی و درونی برقرار می‌کند و زمینه را برای تقریر آیات قرآن در جای‌جای اشعار خود به گونه‌ای فراهم می‌کند که مفهوم و تفسیر آیات به زیبایی بیان شود.» قرآن و سنت پیامبر(ص) مهم‌ترین منبع الهام معارف مولوی است، از این رو می‌توان مبانی اندیشه دینی را در اندیشه مولانا یافت. برخی از کارشناسان معتقدند که پربسامد بودن بحث‌های اخلاقی در اندیشه مولانا مرهون نگاهی توحیدی برخاسته از قرآن است.

قرآن؛ راز جذابیت مولانا برای انسان معاصر

مولانا با دیدگاه عرفانی‌ای که داشته است به قرآن نظر کرده و از این رو نمی‌توان آن را متعلق به مذهبی خاص دانست. وی قرآن را در تجربه عرفانی خود زندگی کرده و به درک بطن و معنای آن دست یافته است. مولانا معتقد بود که «ما ز قرآن مغز را برداشتیم/ پوست را بهر سگان بگذاشتیم»، از این رو می‌توان به اشعار مولانا به عنوان مطالبی که از قرآن اخذ شده است نگاه کرد، شاید جذابیت فراوان اشعار مولانا برای انسان امروز نیز ناشی از همین منبع الهی باشد. مولانا با دانش سنتی به تفسیر آیه به آیه قرآن نپرداخته است. وی با تجربه عمیق دینی و نیز معرفت سنتی که داشته به قرآن نظر کرده و اشعارش ملامال از مضامین قرآنی است. بی‌شک تجربه عرفانی وی در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. وی با قرآن برخوردی آزاد و شاعرانه داشته است و شاید همین باعث می‌شود که نگاه به او به قرآن متفاوت و برای انسان امروز جذاب باشد.